



MfJ

مجله فقه پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و چهارم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/mf>



مقاله پژوهشی

حکم طلاق در زمان عادت ماهیانه از دیدگاه فقه و پزشکی

محمد جمالی^{*۱} 

۱. استادیار گروه فقه شافعی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تشکیل و حفظ کانون خانواده در راستای حفظ نسل و پاسخ‌گویی به یکی از نیازهای فطری انسان از جمله مقاصد و ضروریات پنج‌گانه شرع است. اصل در عقد نکاح، حفظ آن و جلوگیری از انحلال کانون خانواده است ولی این به معنای تن دادن به زندگی زناشویی تحت هر شرایطی نیست بلکه طلاق راهکاری برای پایان دادن به این نظام حقوقی و زندگی زناشویی است که باید در زمانی مناسب بدون اضرار به زن مورد استفاده قرار گیرد. یکی از موضوعات مورد اختلاف فقیهان، صحت طلاق زن در دوره عادت ماهیانه است که نقد و بررسی دقیق دلایل مورد استناد موافقین و مخالفین و نیز توجه به شرایط روحی و روانی زوجین در این زمان، منتهی به انتخاب دیدگاه صواب می‌شود.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی حکم طلاق و اثر عادت ماهیانه بر آن را از دیدگاه فقها و علم پزشکی مورد بررسی قرار داده و به برخی از سؤالات مهم این حوزه از قبیل تأثیر زمان و شرایط روحی و روانی زوجین در استفاده از حق طلاق پاسخ می‌دهد.

نتیجه‌گیری: از نظر جمهور فقها حکم کلی طلاق با توجه به نصوص دینی و آثار سوء آن، کراهت است و استفاده از این حق باید در زمان مناسب و با رعایت شرایط خاص باشد. یکی از این شرایط عدم ایقاع آن در زمان عادت ماهیانه است که از لحاظ پزشکی آثاری همچون بی‌ثباتی خلقی، عصبانیت، فراموشی، اشکال در تمرکز و اختلال در عملکرد روزانه برای زن به همراه داشته و شرایط جسمی، روحی و روانی زوجه و تعادل رفتاری او، بر تصمیم زوج می‌تواند مؤثر باشد. جمهور فقها طلاق در این زمان را حرام، ولی صحیح می‌دانند، در حالی که با توجه به متون دینی و داده‌های پزشکی باید گفت طلاق در چنین حالتی حرام است و واقع نمی‌شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۸

واژگان کلیدی:

طلاق

عادت ماهیانه

پزشکی

^{*} نویسنده مسئول: محمد جمالی

آدرس پستی: تهران، تقاطع شهید مفتاح و مطهری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

پست الکترونیک:

dm_jamali50@ut.ac.ir

۱. مقدمه

علوم دیگر مخصوصاً علوم پزشکی و روانشناسی، بار دیگر مسائل فقهی ازجمله مسائل مربوط به حوزه خانواده و زنان را مورد بحث و بررسی قرار دهد و در این راستا ضمن مطالعات میان رشته‌ای علاوه بر بازنگری در مورد احکام فقهی گذشته، پاسخگوی مسائل نو پیدا شود. لازم به ذکر است برخی از نویسندگان معاصر از جمله زیدان در کتاب «المفصل فی احکام المرأة» و زحیلی در کتاب «الفقه الاسلامی و ادلته» به اختلاف فقها در مورد حکم طلاق در زمان عادت ماهیانه پرداخته‌اند ولی این تحقیقات، علاوه بر اینکه مبتنی بر داده‌های پزشکی نیست، محدود به ذکر اقوال فقهای گذشته است؛ در حالی که ضرورت دارد فقه پویا، با نگرشی جدید به این مهم بپردازد.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی با استمداد از تحقیقات پزشکی، ضمن نقد و بررسی ادله موافقین و مخالفین وقوع طلاق در زمان عادت ماهیانه، حکم آن را از دیدگاه فقهی و علم پزشکی به صورت تطبیقی بین مذاهب خمس مورد بحث و بررسی قرار دهد.

۳. یافته‌ها

فقهای گذشته در مورد حکم وقوع طلاق در زمان عادت ماهیانه، اختلاف نظر دارند، جمهور فقها با استناد به ادله‌ای از نصوص و آزادی زوج در اسقاط حق نکاح آن را حرام، ولی واقع می‌دانند و برخی دیگر حرمت را دلیلی بر عدم وقوع آن دانسته‌اند. با نقد و بررسی ادله فقها و با توجه به تأثیر عادت ماهیانه بر رفتار زوجین از دیدگاه علم پزشکی باید حکم به عدم وقوع چنین طلاق داد.

۴. مفهوم‌شناسی

۴-۱. طلاق

طلاق در لغت برگرفته از ریشه «ط ل ق» به معنی رها ساختن و گشودن گره است (۱-۲) و در اصطلاح فقهی به

کانون خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که ریشه در تاریخ بشر دارد. نکاح در شریعت اسلام وسیله‌ای برای تحقق حفظ نسل و ایجاد سکونت و آرامش افراد است و از جایگاه والایی برخوردار بوده و از عقد نکاح در سوره نسا آیه ۲۱ به عنوان میثاق غلیظ یاد شده است. بر همین اساس از زوجین، خویشاوندانشان و اولیای امر خواسته تا در حفظ این کانون تلاش کنند و بر مبنای «فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ» حتی‌المقدور از انحلال آن جلوگیری کنند ولی گاهی اوقات ادامه زندگی زناشویی و حفظ کانون خانواده ممکن نیست و چه بسا اصرار بر حفظ آن موجب اضرار به یکی از زوجین یا هر دو و تضییع حقوق آنان شود. در چنین مواردی بنابر فرمایش خداوند در آیه ۲۲۹ سوره بقره مبنی بر «تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» راهی جز جدایی بر مبنای احسان وجود ندارد. در چنین حالتی آزادی اراده و حق زوجین اقتضا می‌کند که بتوانند از هم جدا شوند و هرگز ادامه زندگی زناشویی بر آنان تحمیل نشود و در این جهت، طلاق به عنوان راهکاری برای پایان دادن به زندگی مشترک قرار داده شده است. سؤالاتی که در این زمینه مطرح می‌شود آن است که آیا استفاده از این حق به طور مطلق و در هر زمان و تحت هر شرایطی جایز است یا اینکه طلاق باید براساس عدم تفاهم زوجین در حالت طبیعی باشد و عوامل دیگر نباید بر این تصمیم اثر بگذارد؟ عادت ماهیانه چه تأثیری بر حالت روحی و روانی زوجین و عدم تعادل رفتار آنان دارد؟ در صورت ثبوت تأثیر این حالت بر رفتار زوجین، حکم ایقاع طلاق در این مدت چیست؟

با توجه به اینکه موضوع طلاق یکی از مسائل مهم احکام خانواده است، همه منابع فقهی بدان پرداخته و حجم زیادی از منابع فقهی به آن اختصاص یافته است، ولی بیشتر این تحقیقات ناظر بر دیدگاه مذهب فقهی خاص و تحت تأثیر فتاوی فقهی گذشته‌ای است که مبتنی بر برداشت آنان از متون دینی است در حالی که با توجه به پیشرفت‌های علمی و تخصصی شدن حوزه علوم، فقه پویا باید با استمداد از داده‌های

ماهانه است. مدت خونریزی قاعدگی معمولاً ۳ تا ۵ روز طول می‌کشد، اما بین ۲۰-۱۵ روز نیز می‌تواند متغیر باشد. پزشکان سن متوسط پایان دوران قاعدگی و رسیدن به سن یائسگی را ۵۰ سالگی می‌دانند.» (۱۷-۱۳).

۵. بررسی وضعیت روحی و جسمی زن در حالت عادت ماهیانه

داده‌های علم پزشکی، تحقیقات میدانی صورت‌گرفته و آمارهای منتشرشده در این زمینه نشان می‌دهد که علاوه بر تغییرات جسمی و فیزیکی در زنان، قاعدگی بر حالات روحی، رفتار و خلق و خوی آنان نیز تأثیرگذار است. بنابراین برای شناخت این تغییرات لازم است در ادامه موضوع سندرم قاعدگی، علائم و آثار ناشی از آن و همچنین دلایل مؤثر بر این رفتار از نظر علم پزشکی تبیین شود:

۱-۵. سندرم عادت ماهیانه

بخشی از تحقیقات مربوط با این موضوع در حوزه پزشکی، به موضوع سندرم یا تنش پیش از قاعدگی مربوط است. به عبارت ساده سندرم یا تنش پیش از قاعدگی عبارت است از علائم جسمی و رفتاری دوره‌ای که در روزهای پیش از قاعدگی ظاهر می‌شود و بر کار و زندگی فرد اثرگذار است (۱۸).

آمار و تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد که این وضعیت در زنان به دو صورت ممکن است ایجاد شود: سندرم پیش از قاعدگی (PMS)^۱ که می‌توان از آن به حالت غالب (حدود ۶۳ درصد) یاد کرد و در بیشتر زنان وجود دارد و یا اختلال ملال (PMDD)^۲ یا شدید آنکه در تعداد کمتری (حدود ۳۷ درصد) قابل مشاهده است. این وضعیت، نه تنها پیش از قاعدگی در زنان مشاهده می‌شود بلکه در طول مدت زمان سیکل قاعدگی نیز وجود دارد و گاهی اوقات شدت برخی از این آثار بیشتر نیز خواهد بود. (۲۲-۱۸).

۲-۵. علائم و آثار سندرم عادت ماهیانه

معنای «گسستن عقد ازدواج و انحلال آن با الفاظ طلاق و مانند آن است» (۵-۳). از تعریف لغوی و اصطلاحی طلاق مشاهده می‌شود که بین تعریف لغوی و اصطلاحی ارتباط نزدیکی وجود دارد بدین معنی که با توجه به معنای لغوی، طلاق عبارت از رها ساختن زن از علقه زوجیت و پایان دادن به زندگی مشترک است.

۲-۴. عادت ماهیانه

در مورد تعریف و سن عادت ماهیانه یا پریود که در ادبیات فقها به «حیض» مشهور است دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در ادامه دیدگاه فقها و علم پزشکی بیان خواهد شد.

۱-۲-۴. عادت ماهیانه از دیدگاه فقها: در لغت، حیض برگرفته

از (ح ی ض) و به معنای جاری شدن از جمله سیلان خون است (۷-۶) و در اصطلاح فقهی، عبارت از «خونی است که پس از بلوغ در حالت سلامت در روزهای مشخص هر ماه، از رحم زن خارج می‌شود». عادت ماهیانه یا حیض یکی از بارزترین نشانه‌های بلوغ در دختران و مناط تکلیف است. فقها در مورد آغاز و پایان سن حیض در زنان اختلاف نظر دارند ولی مشهور نزد جمهور فقها شروع آن ۹ سال قمری است و در مورد پایان آن برخی از فقها محدود به سنی مشخص ندانسته و برخی آن را بین ۵۰ تا ۶۰ ساگی و برخی دیگر پایان ۹۰ سالگی می‌دانند (۱۲-۸).

۲-۲-۴. عادت ماهیانه از دیدگاه علم پزشکی: عادت ماهیانه،

قاعدگی یا پریود به زبان ساده، عبارت است از: «تخلیه چرخه‌ای خون، ترشحات و بقایای بافت از طبقه داخلی رحم (اندومتر) در زنان غیر باردار در طول مدت زمان سن تولید مثل که از دوران بلوغ (بین ۱۰ تا ۱۴ سالگی) در دختران شروع می‌شود و تا دوران میانسالی ادامه دارد. این وضعیت در فواصل تقریباً ماهانه عود می‌کند که نشان‌دهنده تنظیم مجدد رحم به حالت غیر حاملگی به دنبال تغییرات تکثیر همراه با تخمک‌گذاری قبلی است. این حالت ناشی از کاهش هورمون‌های زنانه استروژن‌ها و پروژسترون در پایان چرخه

۱. premenstrual syndrome

۲. Pre Menstrual Dysphoric Disorder

۹) پاسخ‌های غیرطبیعی در نواحی مغز به پردازش و تنظیم احساسات در طول فاز لوتئال. (۲۶-۳۰).

۶. حکم کلی طلاق از دیدگاه فقها

هرچند فقها با توجه به حال زوجین و به تفصیل قائل به احکام پنج‌گانه در مورد طلاق نسبت به افراد مختلف در شرایط گوناگون هستند ولی در مورد حکم کلی آن بدون توجه به شرایط و افراد مختلف، دارای دو دیدگاه متفاوت هستند:

۱-۶. دیدگاه اباحه و دلایل آن

برخی از فقها همچون حنفیه در قول راجح مذهب و برخی از فقه‌های امامیه، قائل به اباحه طلاق هستند (۳۱-۳۰).

از مهم‌ترین دلایل این گروه عدم تعلق گناه در ایقاع طلاق به مرد در آیه ۲۳۶ سوره بقره و اطلاق «الطلاق مرتان» در آیه ۲۲۹ همین سوره است؛ آنان در تأیید دیدگاه خویش به طلاق حفصه توسط پیامبر (ص) (۳۵-۳۲) و طلاق بسیاری از همسران صحابه و بزرگان اهل بیت اشاره کرده (۳۷-۳۵) و چنین استدلال کرده‌اند که اگر طلاق مباح نبوده و حرام یا مکروه باشد آنان زنان خویش را طلاق نمی‌دادند؛ علاوه بر این، طلاق، اسقاط و گذشت شوهر از حق خویش در مالکیت و بقای عقد نکاح است بنابراین می‌تواند از آن استفاده کند (۳).

۲-۶. دیدگاه کراهت و دلایل آن

جمهور فقهای مذاهب مالکیه، شافعیه و حنابله و برخی از فقهای معاصر، از طلاق به عنوان راه‌حل نهایی یاد کرده و در صورت امکان زندگی زناشویی آن را مکروه می‌دانند (۴۲-۳۸). از مهم‌ترین دلایل این گروه آیه ۳۴ سوره نساء است که می‌فرماید: «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» که در این آیه خداوند از ظلم به زن در صورت اطاعت او از شوهر و عدم نشوز منع کرده، و طلاق یکی از مصادیق ظلم است. از میان نصوص روایی نیز به روایت «بَعْضُ الْحَلَالِ إِلَى اللَّهِ الطَّلَاقُ» (۳۳) و همچنین روایات دال بر همین معنا از قبیل «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا وَكَّدَ فِي الطَّلَاقِ وَكَرَّرَ فِيهِ الْقَوْلَ مِنْ بَعْضِهِ الْفُرْقَةُ» (۴۴-۴۳) استناد کرده‌اند بدین توضیح که طلاق به مذاق

علائم و آثار ناشی از عادت ماهیانه - که چند روز پیش از شروع آن آغاز شده و پس از آن نیز معمولاً ادامه دارد - را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف) علائم جسمی و فیزیکی: برخی از مهم‌ترین این علائم شامل خستگی، سردرد، نفخ شکم، دردهای عضلانی و درد سینه است.

ب) علائم رفتاری: که شامل برخی از تغییرات مهم همچون بی‌ثباتی خلقی، تحریک‌پذیری، افسردگی، عصبانیت، فراموشی، اشکال در تمرکز و اختلال در عملکرد روزانه است که مجموعه این علائم بین ۵۰ تا ۸۰ درصد رخ می‌دهد. (۱۹-۱۸)

نتیجه حاصله از داده‌های علمی در مورد تغییرات جسمی و رفتاری زنان در طول این مدت، آن است که این تغییرات نه تنها بر خود زن مؤثر است بلکه بر خانواده و سایر افراد مرتبط با او نیز تأثیرگذار است که از مهم‌ترین این آثار ناسازگاری زن با همسر و فرزندان است. (۱۹، ۲۰، ۲۳-۲۵). البته فراموش نمی‌شود که این موضوع مبتنی بر تقصیر زن نیست و هرگز نباید زن را در این موضوع متهم کرده و این رفتار را حمل بر نشوز او کرد، بلکه این حقیقت را نه تنها باید درک بلکه لمس کرد که طبیعت جسمی و آفرینش زن بر این قرار داده شده و سایر افراد با فهم عمیق این وضعیت، باید سعی در کنترل و مدیریت آن داشته باشند و آن را بخشی از زندگی زن بدانند.

۳-۵. دلایل مؤثر بر تغییرات جسمی و رفتاری

بنابر داده‌های علم پزشکی عوامل متعددی بر این تغییرات ماهانه در زنان مؤثر است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱) پاسخ غیر طبیعی به نوسانات طبیعی محور هیپوتالاموس - هیپوفیز - گناد (۲) کاهش یا حساسیت متناقض گیرنده گابا به آلورگنانولون (۳) تغییرات در عملکرد سیستم سروتونین (۴) تغییرات در پاسخ محور هیپوتالاموس - هیپوفیز - آدرنال (۵) تغییر عملکرد سیستم ایمنی (۶) تغییر هموستاز کلسیم (۷) تغییر ریتم شبانه‌روزی (۸) عوامل ژنتیکی (به عنوان مثال، پلی مورفیسم در ژن برای (ESR1)

شریعت خوش نبوده و مبعوض‌ترین حلال است زیرا برخلاف مصالح دینی و دنیوی نکاح و حفظ خانواده از قبیل مقاصد شرع در حفظ نسل و عمل به سنت است (۴۶-۴۵).

۳-۶. نقد و بررسی

با نقد و بررسی دلایل دو دیدگاه، می‌توان گفت به برخی از دلایل مورد استناد دو گروه ایراداتی وارد است که در زیر به آنها پرداخته می‌شود:

- نقد و بررسی دلایل گروه اول: در مورد آیه اول، رفع جناح به معنای جواز است که نزد اصولیین اباحه و کراهت هر دو را شامل می‌شود و نمی‌توان آن را بر اباحه به تنهایی حمل کرد بلکه با توجه به تبعات سوء فردی و اجتماعی و با توجه به روایاتی از قبیل «ابغض الحلال» باید گرفت رفع جناح به معنای جواز با کراهت است (۴۹-۴۷). آیه دوم نیز بیانگر فرصت‌های طلاق است نه حکم آن، بنابراین نمی‌توان به اطلاق آن بر اباحه طلاق استناد کرد. (۵۰) در پاسخ به طلاق پیامبر (ص) باید گفت در ادامه روایت چنین آمده که آن حضرت از این کار برگشته و حفصه را به خانه برگرداند و این خود می‌تواند مبتنی بر آن باشد که چه بسا آن را مکروه دانسته که از تصرف خود برگشته است. (۵۳-۵۱) در مورد طلاق صحابه نیز باید گفت عمل آنان نمی‌تواند دلیل قطعی بر اباحه این امر باشد زیرا در مورد حجیت مذهب و عمل صحابی بین اصولیین اختلاف است و دلیل مورد اختلاف نمی‌تواند حجتی قطعی باشد. (۵۴) به علاوه می‌توان گفت خطبه حضرت علی (ع) و نهی از طلاق و نکوهش آن گواهی بر کراهت آن است (۳۶). در مورد حق زوج بر اسقاط حق خود در عقد نکاح نیز باید گفت تعسف در استعمال حق جایز نیست بدین‌معنی که استفاده از حق نباید موجب اضرار به دیگری باشد حال آنکه طلاق علاوه بر اضرار به زن، پیامدهای سویی برای خانواده و جامعه به دنبال دارد.

- نقد و بررسی دلایل گروه دوم: در مورد آیه «فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» مورد استناد صاحبان این دیدگاه، می‌توان گفت موضوع آیه، علاج نشوز زن با وعظ و هجر سابق است؛ پس موضوع آیه طلاق نیست. البته در جواب این کلام باید

گفت ازجمله مصادیق «فلا تبغوا علیهن سبیلًا»، طلاق بدون ضرورت است. در مورد نصوص وارده در سنت نیز می‌توان گفت که بر صحت این روایات در بین محدثین اختلاف است (۵۷-۵۵) که در پاسخ این بیان باید گفت هرچند ایراداتی بر صحت برخی از این نصوص وارد شده ولی علاوه بر قبول آن از طرف برخی دیگر، معنا و مفهوم روایات مقبول همه و همسو با مقاصد شریعت در حفظ کانون خانواده است.

با توجه به نقد و بررسی دلایل به نظر می‌رسد دیدگاه دوم مبنی بر مکروه بودن طلاق و عدم استفاده از آن، جز در مواقع نیاز و ضرورت به صواب نزدیکتر است چه آنکه این دیدگاه همسو با مقاصد نکاح و حفظ کانون خانواده و جلوگیری از آثار جبران‌ناپذیر آن است که باید در موارد خاص مورد استفاده قرار گیرد.

۷. حکم طلاق در زمان عادت ماهیانه

جمهور مذاهب فقهی طلاق را به دو دسته سنی و بدعی تقسیم کرده‌اند، مقصود آنان از طلاق سنی طلاق‌هایی است که مطابق شرع بوده و با رعایت شروط و ضوابط آن انجام شود؛ برخلاف طلاق بدعی که چنین نیست. فقها طلاق در زمان عادت ماهیانه را از نوع بدعی دانسته و به اتفاق ایقاع آن را حرام می‌دانند (۳۴، ۴۰، ۶۰-۵۸). با وجود اتفاق فقها بر حرمت ایقاع طلاق در زمان عادت ماهیانه، ایشان در مورد وقوع این نوع طلاق اختلاف نظر داشته و حاصل این اختلاف نظر دو دیدگاه متفاوت به شرح ذیل است:

۷-۱. دیدگاه وقوع طلاق

مذاهب چهارگانه اهل سنت، طلاق بدعی ازجمله طلاق در زمان عادت ماهیانه را با وجود حکم به حرمت ایقاع آن، واقع می‌دانند (۳، ۵۹، ۴، ۴۰).

این گروه برای دیدگاه خود به دلایلی استناد کرده‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت است از:

د) اجماع صحابه و تابعین مبنی بر وقوع طلاق در چنین حالتی و عدم مخالفت یکی از آنان بر این موضوع، یکی دیگر از دلایل وقوع طلاق در دوره حیض می‌باشد. (۶۳).

ه) از دیگر ادله این گروه، استدلال عقلی است که از سوی آنان چنین ذکر شده است: تسمیه و توصیف این طلاق به حرام، خود دلیل بر وقوع آن است زیرا حرمت، وصفی است که بر فعل وارد می‌شود حال آنکه اگر طلاقی واقع نشود وصف حرمتی وجود نخواهد داشت تا این وصف و تسمیه تحقق پیدا کند. به علاوه، توصیف طلاق به حرمت مانع وقوع آن نیست همان‌طور که بر تصرفاتی همچون ظهار با وجود حرمت، اثر مترتب می‌شود. (۶۲)

هرچند قائلین به صحت طلاق به دلایل فوق استناد کرده‌اند ولی به برخی از این دلایل ایراداتی به شرح زیر وارد است:

در مورد استدلال به آیه اول سوره طلاق، باید گفت این آیه نمی‌تواند محل استناد جمهور باشد زیرا در اول آیه عبارت مجمل «فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» آمده که با دستور پیامبر (ص) مبنی بر رجوع ابن عمر از طلاق، در سنت و دیدگاه صحابه تبیین شده است و مقصود از طلاق در عده آن است که شوهر زن را در طهری طلاق دهد که هم‌خواهی صورت نگرفته باشد (۳۷، ۶۴) از سویی دیگر به عبارت «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» نیز نمی‌توان استناد کرد زیرا برخلاف دیدگاه جمهور، این آیه مبارکه دلالت بر این دارد که شارع مردم را از این کار بر حذر داشته و این کار معصیت بوده و مقصود از این نهی عدم وقوع آن است نه دلیل مباح بودن آن.

در مورد اطلاق «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ» نیز باید گفت این آیه در مورد بیان تعداد طلاق‌هایی است که در اختیار مرد قرار دارد و آیه در صدد بیان کیفیت طلاق نیست.

در مورد استدلال به روایت ابن عمر و لفظ مراجعه که اثر طلاق است چنین پاسخ داده شده که در عصر تشریع لفظ مراجعه به معنای رجوع مصطلح فقهی (رجعت پس از وقوع طلاق) به کار نرفته بلکه شایع در معنای لغوی (بازگردان زن

الف) خداوند در آیه اول سوره طلاق پس از امر به طلاق زنان در زمان عده که مقصود از آن ایقاع طلاق در طهری است که با زن جماعی صورت نگرفته باشد می‌فرماید: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» بدین معنا که اگر کسی در غیر آنچه در صدر آیه آمده است - از جمله طلاق در حالت عادت ماهیانه - زن را طلاق دهد، مصداق تجاوز از حدود خداوند و ستم بر خود است که لازمه تحقق این ظلم، حکم به وقوع طلاق است. از سویی دیگر خداوند در این آیه هرچند این عمل را تعدی به حدود خود معرفی کرده ولی نهی در آیه وارد نشده که بتوان حکم به عدم وقوع چنین طلاقی داد.

ب) عموم آیات وارد شده در موضوع طلاق از قبیل آیه ۲۲۹ سوره بقره «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ...»، طلاق را مشروط به شرطی خاص از قبیل ایقاع آن در حالت طهر نکرده است بنابراین طلاق در هر دو حالت طهر و حیض باید صحیح باشد.

ج) یکی از مهم‌ترین نصوص روایی در این زمینه، روایت طلاق ابن عمر است که او همسرش را در مدت عادت ماهیانه طلاق داد، وقتی ماجرا به عرض پیامبر (ص) رسید ایشان فرمود «مَرَّةً فَلْيُرَاجِعْهَا، ثُمَّ لِيَتْرُكْهَا حَتَّى تَطْهُرَ...» (۳۷، ۶۱) این روایت از چند جهت دلیلی بر وقوع طلاق در حالت عادت ماهیانه است: اول اینکه دستور پیامبر (ص) بر مراجعه گویای وقوع طلاقی است که رجعت اثر آن است. دوم اینکه در برخی از طرق این روایت آمده که ابن عمر می‌گوید: «حُسِبَتْ عَلَيَّ بَطْلِيْقَةٌ» (۳۷) یا در روایتی دیگر می‌گوید: «وَحُسِبَتْ لَهَا التَّطْلِيْقَةُ» (۶۱) چنین اقوالی از ابن عمر که اصل طلاق در این داستان به او برمی‌گردد تأییدی بر وقوع طلاق است زیرا او حق ندارد از جانب خود و برخلاف دستور پیامبر (ص) چنین کاری انجام داده و قائل به وقوع طلاقی در این حالت باشد. سوم اینکه دیدگاه و فتوای ابن عمر بر وقوع طلاق در چنین حالتی است و این در حالی است که علاوه بر نقش مستقیم او در این نوع طلاق، او به سخت‌گیری و شدت در پیروی از سنت پیامبر (ص) معروف است بنابراین بعید به نظر می‌رسد که او از نزد خود چنین فتوایی را صادر کرده باشد (۶۲).

بدون وقوع طلاق) است؛ در نصوص کتاب از جمله آیات ۲۲۸ و ۲۲۹ سوره بقره برای مراجعه به معنای رجوع پس از طلاق، الفاظ «الرد» و «الامساک» استعمال شده و برخی از محققین بر آن هستند که در سنت نیز روایتی که صریح در این معنا باشد وجود ندارد (۴۱). در مورد برخی از طرق روایت ابن عمر مبنی بر حساب شدن یک طلاق نیز چنین پاسخ داده شده که علاوه بر اضطراب، این روایات قابل تأویل هستند جز روایت «فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِيرَاجِعَهَا» عَلَيَّ، وَلَمْ يَرَهَا شَيْئًا» (۶۵) که علاوه بر صحت آن قابل تأویل نیست و بدین معنا است که پیامبر دستور به برگرداندن زن داد و اثری بر آن مترتب نساخت. بنابراین صحیح‌ترین روایت که بتوان بدان استناد کرد همین روایت است و بقیه روایات محل شک و اختلاف هستند. فتوای ابن عمر نیز نمی‌تواند تأییدی بر وقوع طلاق باشد زیرا دیدگاه صحابه در این مسئله مختلف بوده به طوری که برخی به وقوع آن و برخی دیگر به عدم وقوع آن قائل بودند از سویی دیگر چه بسا فتوای ابن عمر برخلاف روایتش باشد که در این زمینه عمل به مقتضای روایت مقدم خواهد بود (۴۱).

در مورد اجماع ادعا شده باید گفت چگونه اجماعی است که مخالفانی از همان عصر داشته و این مسئله در بین صحابه و تابعین نیز محل اختلاف بوده است. بنابراین ادعای اجماع در این زمینه صحیح نیست و به تعبیر احمد بن حنبل: «مَنْ ادَّعَى الْإِجْمَاعَ فَهُوَ كَاذِبٌ، وَمَا يَدْرِيهِ لَعَلَّ النَّاسَ اخْتَلَفُوا» (۶۳-۶۲).

استدلال به وصف حرمت و بدعی به این طلاق، نیز نمی‌تواند دلیلی برای این گروه باشد، زیرا اگر این سخن به عنوان یک ضابطه پذیرفته شود باید تمامی عقود حرام اعم از مالی و غیر مالی با وجود وصف به حرمت صحیح باشد حال آنکه چنین نیست به عنوان مثال نکاح با محارم، نکاح با زن شوهردار، بیع محرمت و معاملات ربوی، حرام و باطل هستند و کسی قائل به صحت با وجود حرمت نیست. از سویی قیاس ظهار بر طلاق و تأثیر آن با وجود حرمت نیز نمی‌تواند حجت قرار گیرد چه

آنکه علاوه بر اختلاف در حجیت قیاس، ظهار با طلاق متفاوت است زیرا ظهار در اصل حرام و فاعل آن مستحق عقوبت است برخلاف طلاق که اصل آن مشروع است؛ گاهی حرام و فاسد است و گاهی نیز جایز و مشروع می‌باشد (۶۲، ۶۶). با توجه به نقد و بررسی ادله قائلین به وقوع طلاق در حالت عادت ماهیانه، به نظر می‌رسد دلایل مطرح شده نمی‌تواند دلیلی قاطعی برای اثبات درستی دیدگاه آنان باشد.

۷-۲. دیدگاه عدم وقوع طلاق

دیدگاه امامیه، ظاهریه و برخی از فقهای اهل سنت مانند ابن تیمیه و ابن قیم و برخی از معاصرین همچون صنعانی و شوکانی آن است که چنین طلاقى علاوه بر حرمت، واقع نمی‌شود و اثری بر آن مترتب نمی‌شود (۶۳-۶۲، ۶۹-۶۶). این گروه نیز برای اثبات درستی دیدگاه خود دلایلی ذکر کرده‌اند که به برخی از آنها، ضمن نقد و بررسی دلایل دیدگاه پیشین اشاره شد و برخی دیگر از دلایل ایشان در ادامه ذکر می‌شود.

الف) در آیه اول سوره طلاق، خداوند پیامبر (ص) را امر کرده که زنان در عده طلاق داده شوند و پیش از این، بیان شد که بنابر نصوص روایی مقصود از این آیه، طلاق دادن زنان در طهر غیر مواقع است و این تفسیری است که بیشتر مفسرین نیز بدان قائل‌اند (۷۴-۷۰) بنابراین طلاق در این حالت خلاف دستور خدا و رسول بوده و باطل است.

ب) از میان نصوص روایی، به عبارت «مَرَّةً فَلْيُرَاجِعْهَا» در روایت صحیح طلاق ابن عمر استناد و چنین استدلال شده است که مراجعه در کتاب و سنت به معنای رجوع مصطلح فقهی وارد نشده بلکه مراد از آن برگرداندن زن به زندگی زناشویی است بدون اینکه طلاقى واقع شده باشد.

ج) علاوه بر این روایت، به حدیث «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» (۷۵) استناد کرده و گفته‌اند طلاق در حالت عادت ماهیانه حرام بوده و مطابق سنت نیست بنابراین باطل و مردود می‌باشد (۶۲). در میان روایات اهل بیت (ع) نیز به صراحت وارد شده است که «الطَّلَاقُ لِعَیْرِ السُّنَّةِ بَاطِلٌ» (۳۶).

دیگر طرق روایت محل استناد گروه اول مبنی بر اینکه یک طلاق محسوب شده، محل شک و ایراد است و علمای متخصص در جرح، تعدیل، صحت و ضعف نصوص به تفصیل در این باب سخن گفته‌اند که برخی از آن ایرادات در نقد و بررسی دلایل گروه اول گذشت و ذکر تفصیل آن خارج از رعایت اختصار در پژوهش حاضر است؛ بنابراین صحیح‌ترین روایت، آن چیزی است که گروه دوم بدان استناد کرده‌اند.

در مورد استدلال به دلالت نهی بر فساد منهی عنه، یکی از ایراداتی که ممکن است وارد شود آن است که در این نصوص نهی صورت نگرفته است. در پاسخ به این ایراد باید گفت وقتی شارع طلاقی مد نظر داشته باشد (طلاق در طهر غیر مجامع فیه)، فحوای کلام آن است که غیر آن، محل نهی است و امر پیامبر (ص) نیز بر مراجعه ابن عمر، معنای نهی از طلاق‌های دیگر را تقویت می‌کند.

قول راجح: با توجه به نقد و بررسی دلایل اصحاب دو دیدگاه، به نظر می‌رسد دیدگاه دوم مبنی بر عدم وقوع طلاق راجح باشد؛ سبب ترجیح این دیدگاه علاوه بر ضعف ادله گروه اول و قوت برخی از جوانب ادله گروه دوم دلایلی به شرح ذیل است:

- با توجه به داده‌ها و یافته‌های علم پزشکی، زن در روزهای عادت ماهیانه و پیش از آن، علاوه بر درگیری با برخی از دردهای جسمی، دچار تغییر رفتاری از قبیل بی‌ثباتی خلقی، تحریک‌پذیری، افسردگی، عصبانیت، فراموشی، اشکال در تمرکز و اختلال در عملکرد روزانه و ... است بنابراین باید گفت زن در طول این مدت از تعادل روحی و روانی خوبی برخوردار نیست؛ بنابراین چه بسا همین رفتار در تعامل با شوهر تأثیرگذار بوده و در تصمیم شوهر بر طلاق و جدایی مؤثر باشد حال آن‌که همان‌طور که از پیش گذشت طلاق امری مکروه و به عنوان راه نهایی، باید براساس تصمیمی کارشناسی شده و مبتنی بر طی مراحل و تشریفات شرعی باشد طوری که اسباب و عوامل دیگر بر تصمیم زوجین بر جدایی مؤثر نباشد.

- فقها اتفاق نظر دارند که جماع در حالت عادت ماهیانه حرام است و از دیدگاه جمهور فقها استمتاع زوج از زن در محل بین

(د) جمهور اصولیون قائل به آن هستند که نهی مقتضی فساد منهی‌عنه می‌باشد (۷۶) و از سویی دیگر سبب نهی در منهیات و تحریم محرّمات، پیامدهای سوء آن، یا مفاسدی است که بر مصالحش غالب می‌باشد بنابراین شرع با تحریم آن، بر آن است که این کار صورت نگیرد حال آنکه اگر با وجود نهی و حرمت، حکم به صحت و لزوم آنها شود در حقیقت مقاصد و مصالحی که شرع در تحریم و نهی از آنها در نظر داشته، حاصل نشده بلکه برخلاف آن، مفاسد محقق خواهد شد و این برخلاف تشریع و روح شریعت و رعایت تقدم مصالح بر مفاسد است. (۷۷) بر همین اساس ابن قیم در این زمینه می‌گوید: «الشَّارِعُ إِنَّمَا نَهَى عَنْهُ وَحَرَّمَ، لِأَنَّهُ يُبَغِضُهُ، وَلَا يُحِبُّ وَقُوعَهُ، بَلْ وَقُوعُهُ مَكْرُوهٌ إِلَيْهِ، فَحَرَمَهُ لِئَلَّا يَفْعَ مَا يُبَغِضُهُ وَيَكْرَهُهُ، وَفِي تَصْحِيحِهِ وَتَنْفِيزِهِ ضِدُّ هَذَا الْمَقْصُودِ» (۶۲).

(ه) حکم به وقوع طلاق در این حالت، سبب اضرار به زن و طولانی‌تر شدن زمان عده خواهد شد چه آنکه از دیدگاه قائلین به دلالت قرء بر طهر، این ایام جزئی از عده زن محسوب نمی‌شود و از دیدگاه قائلین به حمل قرء بر حیض نیز این ایام جزئی از عده به حساب نمی‌آید زیرا باید حیض کامل باشد. بنابراین اضرار به زن جایز نیست بلکه دستور خدا بر «تسریح باحسان» است و حکم به وقوع طلاق برخلاف آن است. (۷۸)

با توجه به دلایل بالا به نظر می‌رسد این ادله خالی از ایراد نباشد، برخی از ایرادات وارده عبارت است از:

در مورد استدلال به آیه اول سوره طلاق و اینکه طلاق مورد نظر شرع آن است که در طهر غیر مجامع فیه باشد و طلاق در حالت عادت ماهیانه حرام است باید گفت این مطلب مورد قبول اصحاب دیدگاه اول نیز هست، محل خلاف وقوع یا عدم وقوع آن است که این آیه به تنهایی نمی‌تواند محل استناد قرار گیرد بلکه برای ترجیح یکی از دو دیدگاه پیشین، باید به دلایل دیگر توجه داشت.

در مورد نصوص روایی محل استناد این گروه، باید گفت به راحتی قابل رد نیست چه آنکه علاوه بر صحت طرق روایت محل استناد، همسو با مفهوم آیه سوره طلاق است. از سویی

۸. نتیجه‌گیری

- طلاق از دیدگاه قرآن و سنت، عملی ممدوح و مورد تشویق نبوده و اصل در آن بر منع است.

- ایقاع طلاق باید پس از طی مراحل و رعایت شروطی باشد که عدم طی این مراحل و رعایت شروط مانع از ایقاع آن می‌گردد.

- زن در طول ایام عادت ماهیانه و پیش از آن، در شرایط جسمی و روحی مناسبی نیست، عوامل و شرایط جانبی از قبیل وضعیت رفتاری زوجین در طول این مدت، نباید بر تصمیم به طلاق و جدایی مؤثر باشد.

- طلاق در زمان عادت ماهیانه حرام و از نوع بدعی است. هرچند جمهور اهل سنت با وجود قائل به حرام بودن این نوع طلاق، آن را صحیح و واقع می‌دانند؛ ولی با وجود اشکالاتی که به مستندات ایشان وارد است و با توجه به داده‌های علم پزشکی در مورد وضعیت جسمی و روحی زن در دوره عادت ماهیانه، قول مخالفین از جمله امامیه، قوی‌تر بوده و طلاق در طول این مدت واقع نمی‌شود.

ناف و زانو بدون حائل نیز جایز نیست (۴۵، ۸۱-۸۰). بنابراین همین جدایی و عدم ناتوانی در پاسخگویی به نیاز جنسی شوهر، عاملی دیگر در ایجاد فاصله بین زوجین است، چه بسا این عامل در تصمیم آنان بر جدایی بی‌تأثیر نباشد.

- زن در طول عادت ماهیانه، در شرایطی قرار می‌گیرد که نه تنها علاقه‌ای به پاسخگویی به نیازهای جنسی شوهر ندارد بلکه در بسیاری از اوقات همنشینی با شوهر نیز برایش خوشایند نیست بنابراین همین وضعیت چه بسا در رفتار و تنش بین آنان تأثیرگذار بوده و سبب تصمیم به جدایی و طلاق قرار گیرد.

- خداوند در مورد ایام عادت ماهیانه در سوره بقره آیه ۲۲۲ می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ». لفظ «اذی» بر معنای مطلق آن حمل شده و به زوجین برمی‌گردد که به تعبیر آیه و به زبان ساده این وضعیت نوعی اذیت و آزار و حالتی غیر طبیعی برای زن محسوب می‌شود که موجب اضرار به مرد نیز خواهد شد (۸۳-۸۲)، بنابراین خداوند دستور داده در طول این مدت نزدیکی بین آنان صورت نگیرد و این نهی خود دلالت بر توجه به حال زوجه و مراعات حال اوست حال آنکه، با ایقاع طلاق در چنین حالتی نه‌تنها این وضعیت، محل توجه قرار نگرفته بلکه اذیت و آزار او را دو چندان خواهد کرد.

- یکی از الفاظ وارده به معنای مراجعه، آیه ۲۳۰ سوره بقره است که خداوند فرماید: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ»، واژه «یتراجعا» که مراجعه برگرفته از آن است، از باب مفاعله است که در آن مشارکت در فعل بین زوجه و زوج و به معنای برگرداندن زن است در حالی که «الرجعه» مصطلح در بین فقها، حق شوهر است و می‌تواند به تنهایی و مستقلاً به آن اقدام کند، بنابراین چنانکه گذشت مراجعه در ادبیات قرآن با مصطلح فقهی متفاوت است و نصوص سنت وارده بر الفاظ مراجعه را باید بر این معنای قرآنی حمل کرد و نمی‌توان با استناد به این روایات، طلاق در طول مدت حیض را واقع دانست.

References

1. Ibn Fāris, A. Mu'jam Maqā'is al-Lughat. Beirut: Dār al-Fikr. 1978(1399). 3: 341. [In Arabic]
2. Azharī, M. Tahdhīb al-Lughat. 1st ed. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. 2001(1421). 9:19. [In Arabic]
3. Sarakhsī, M. al-Mabsūṭ. Beirut: Dār al-Ma'rifat. 1993 (1414). 6: 2 & 3 & 5 & 71 & 102. [In Arabic]
4. Shirbīnī, M. Mughnī al-Muhtāj Ilā Ma'rifat Alfāz al-Minhāj. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1994(1415). 4: 455 & 487. [In Arabic]
5. 'Āmulī, Z. al-Ruḍat al-Bahīyyat Fī Sharḥ al-Lum'at al-Dimashqīyyat. 1st ed. Qum: Dāwarī. 1989(1410). 6: 11. [In Arabic]
6. Azharī, M. Tahdhīb al-Lughat. 1st ed. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. 2001(1421). 5:103. [In Arabic]
7. Ibn Fāris, A. Mu'jam Maqā'is al-Lughat. Beirut: Dār al-Fikr. 1978 (1399). 2: 124. [In Arabic]
8. Shirbīnī, M. Mughnī al-Muhtāj Ilā Ma'rifat Alfāz al-Minhāj. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1994 (1415). 1:277. [In Arabic]
9. Bābartī, M. al-'Ināyat Sharḥ al-Hidāyat. Beirut: Dār al-Fikr. nd. 1:164. [In Arabic]
10. Gharnāṭī, M. al-Tāj Wa al-Iklīl li-Mukhtaṣar Khalīl. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1995 (1416). 1:539. [In Arabic]
11. Mardāwī, A. al-Inṣāf Fī Ma'rifat al-Rājiḥ Min al-Khalāf. 1st ed. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. Nd.1:364. [In Arabic]
12. 'Āmulī, Z. al-Ruḍat al-Bahīyyat Fī Sharḥ al-Lum'at al-Dimashqīyyat. 1st ed. Qum: Dāwarī. 1989 (1410). 1: 370. [In Arabic]
13. Guyton, A. Hall Medical Physiology. Trans: Dr. Parvin Babaei Dr. Alireza Behshadfar, Dr. Siamak Maleki Arjmand. Tehran, 2016. 2: 688. [In English]
14. Santen RJ, Kagan R, Altomare CJ, et al. "Current And Evalving Approaches To Individualizing Estrogen Receptor_Based Therapy For Menopausal Women". J Clin Endocrinol Metab. 2014(1392). 99:733. [In English]
15. Jones & Bartlett Publishers. Women's Gynecologic Health. 2011(1389). 94. [In English]
16. "Menstruation And The Menstrual Cycle Fact Sheet". Office Of Women's Health. 2014. Archived From The Original On 26 June 2015. Retrieved 25 June 2015. [In English]
17. Diaz A, Laufer MR, Breech LL. "Menstruation In Girls And Adolescents: Using The Menstrual Cycle As A Vital Sign". 118(5): 2245-2250. [In English]
18. "Speroff's Clinical Gynecologic Endocrinology And Infertility." 9th ed. Trans: Rāzīyyat Akbarī. Tehran: Arjumand. 2002(1380). 1: 460 & 461. [In Persian]
19. Zandi Gh, Unsuri Kh, Halalat H, Mirzaei S, Agha Alikhani M, Sadeghi, et al. "Shiyū", 'Alā'im Sandrum Pīsh Az Qā'idigī Wa Ikhtilāa Pīsh Az Qā'idigī Dar Dānishjūyān Āzād Islami Wāhid Parand". Majalīh Tāzihāyi Bio Technology Silūlī-Mulūkūlī. 2013(1391). 3(9): 114&115. [In Persian]
20. American Psychiatric Association. "Diagnostic And Statistical Manual Of Mental Disorders" 5th. Arlington (VA): American Psychiatric Association. 2013. [In English]
21. O'Brien PM, Backstrom T, Brown C, et al. "Towards A Consensus On Diagnostic Criteria, Measurement And Trial Design Of The Premenstrual Disorders". The ISPMO Montreal Consensus. Arch Womens Ment Health 2011(1389). 14: 13-21. [In English]
22. American Psychiatric Association. "Diagnostic And Statistical Manual Of Mental Disorders". Washington DC: APA. Google Scholar. 1994. 4th: 15-25. [In English]
23. Epperson CN, Steiner M, Hartlage SA, Et Al. "Premenstrual Dysphoric Disorder: Ev? Idence For A New Category For DSM-5". Am J Psychiatry 2012(1390). 169:465-75. [In English]
24. Hartlage SA, Breaux CA, Yonkers KA. "Addressing Concerns About The Inclusion Of Premenstrual Dysphoric Disorder In DSM-5". J Clin Psychiatry 2014(1392). 75:70-6. [In English]
25. Browne TK. "Is Premenstrual Dysphoric Disorder Really A Disorder?". J Bioeth Inq 2015(1393). 12: 313-30 [In English].
26. Schmidt PJ, Nieman LK, Danaceau MA, et al. "Differential Behavioral Effects Of Gonadal Steroids In Women With And In Those Without Premenstrual Syndrome". N Engl J Med 1998(1376). 338:209-16. [In English]
26. Eser D, Schule C, Baghai TC, et al. "Neuroactive Steroids And Affective Disorders". Pharmacol Biochem Behave. 2006(1384). 84: 656-66. [In English]
27. Schule C, Nothdurfter C, Rupprecht R, Mostallino MC, Mura ML, Maciocco E, et al. "The Role Of

- Allopregnanolone In Depression And Anxiety". 2014(1392). 113:79-87. [In English]
28. Neurochem, J. "Changes in expression of the delta subunit of the GABA (A) receptor and in receptor function induced by progesterone exposure and withdrawal". 2006(1384). 99: 321-32. [In English]
29. Timby E, Backstrom T, Nyberg S, et al. "Women With Premenstrual Dysphoric Disorder Have Altered Sensitivity To Allopregnanolone Over The Menstrual Cycle Compared To Controls-A Pilot Study". Psychopharmacology (Berl) 2016(1394). 233: 2109-17. [In English]
30. Bengtsson SK, Nyberg S, Hedstrom H, et al. "Isoallopregnanolone Antagonize Allopregnanolone-Induced Effects On Saccadic Eye Velocity And Self-Reported Sedation In Humans". Psychoneuroendocrinology 2015(1395). 52:22-31. [In English]
31. Hilli, H. Muntahā al-Maṭlab Fī Taḥqīq al-Madḥhab. Mashhad: Majma' al-Buḥūth al-Islāmīyyat. 1991(1412). 13:71. [In Arabic]
32. Shaybāni, A. Musnad Aḥmad Ibn Ḥanbal. 1st ed. Cario: Dār al-Ḥadīth. 2001(1421). 5:271. [In Arabic]
33. Abū Dāwūd, S. Sunan Abī Dāwūd. Beirut: al-Maktabat al-'Aṣrīyyat. nd. 2:255&85. [In Arabic]
34. Ṭūsī, M. al-Mabsūṭ Fī Fiqh al-Imāmīyyat. 2nd ed. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyyat li-Iḥyā' al-Turāth al-Ja'farīyyat. 1967(1387). 5:2 & 235. [In Arabic]
35. Ibn Abī Shaybat, A. al-Kitāb al-Muṣannaf Fī al-Aḥādīth Wa al-Akhbār. 1st ed. Riyadh: Maktabat al-Rushd. 1998(1409). 7:154. [In Arabic]
36. Kuliynī, M. al-Kāfī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyyat. 1996(1407). 6:55 & 58 & 59. [In Arabic]
37. Bukhārī, M. Ṣaḥīḥ al-Bukhārī. Beirut: Dār Ṭawq al-Nijāt. 2002(1422). 7:40 & 41 & 59. [In Arabic]
38. Juwīnī, 'A. Nahāyat al-Maṭlab Fī Dirāyat al-Madḥhab. 1st ed. Riyadh: Dār Al-Minhāj. 2009(1428). 14:11. [In Arabic]
39. Ṣāwī, A. Ḥāshīyat al-Ṣāwī 'Alā al-Sharḥ al-Kabīr. Cario: Dār al-Ma'ārif. nd. 2:535. [In Arabic]
40. .Mardāwī, A. al-Inṣāf Fī Ma'rifat al-Rājiḥ Min al-Khalāf. 1st ed. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. nd. 8: 429 & 448. [In Arabic]
41. Ṣābūnī, 'A. Madā Ḥurrīyyat al-Zawjayn Fī al-Ṭalāq Fī al-Sharī'at al-Islāmīyyat. 1st ed. Damascus: Dār al-Fikr. 1968(1387). 1:93 & 435 & 460. [In Arabic]
42. Zaydān, 'A. al-Mufaṣṣal Fī 'Aḥkām al-Mar'at. 2nd ed. Beirut: al-Risālat. 1994(1415). 7: 355. [In Arabic]
43. Kuliynī, M. al-Kāfī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyyat. 1986(1407). 5:328. [In Arabic]
44. Ḥurr 'Āmulī, M. Tafṣīl Wasā'il al-Shi'at Ilā Taḥṣīl Masā'il al-Sharī'at. 2nd ed. Qum: Āl al-Bayt. 1988(1409). 22:7. [In Arabic]
45. Kāsānī, A. Badā'i' al-Ṣanā'i' Fī Tartīb Al-Sharā'i'. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1985(1406). 3:95 & 119. [In Arabic]
46. Dhulfaqrāṭalab, M, Jamālī, M. al-Aḥwāl al-Shakhsīyyat Bayn al-Fiqh al-Islāmī Wa al-Qānūn al-Madanī al-Iranī. 1st ed. Qum: al-Majlis al-Takḥṭī līl-Mu'āhid al-Dīnīyyat. 2016(1438). 446. [In Arabic]
47. Shāṭibī, I. al-Muwāfiqāt. 1st ed. Cario: Dār Ibn 'Afān. 1996(1417). 1:475. [In Arabic]
48. Ḥafnāwī, M. Dirāsāt Uṣūlīyyat Fī al-Qur'ān al-Karīm. 1st ed. Cario: Maktabat Wa Maṭba'at al-Ish'ā' al-Fannīyyat. 2001(1422). 1:326. [In Arabic]
49. Jaghīm, N. Ṭuruq al-Kashf 'An Maqāṣid al-Shārī'. 1st ed. Jordan: Dār al-Nafā'is lil-Nashr Wa al-Tuzī'. 2013(1435). 1:109. [In Arabic]
50. Abū Ḥayyān, M. al-Baḥr al-Muḥīṭ. Beirut: Dār al-Fikr. 1999(1420). 2:463. [In Arabic]
51. Biyhaqī, A. al-Sunan al-Kubrā. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 2003(1424). 7:602. [In Arabic]
52. Sahārnufūrī, A. Badhl al-Majhūd Fī Ḥal Sunan Abī Dāwūd. 1st ed. India: Markaz al-Shaykh Abī al-Ḥasan al-Nadwī lil-Buḥūth Wa al-Dirāsāt al-Islāmīyyat. 2006(1427). 8:354. [In Arabic]
53. 'Azīm Abādī, M. 'Awn al-Ma'būd Sharḥ Sunan Abī Dāwūd. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1994(1415). 6:270. [In Arabic]
54. Ghazzālī, M. al-Mustaṣfā Fī 'Ilm al-Uṣūl. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1992(1413). 1:400. [In Arabic]
55. Ālbānī, M. Irwā al-Ghalīl Fī Takḥrīj Aḥādīth Manār al-Sabīl. 2nd ed. Beirut: al-Maktab al-Islāmī. 1984(1405). 7:106. [In Arabic]
56. Niyshābūrī, Ḥ. al-Mustadrak 'Alā al-Ṣaḥīḥayn. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1990(1411). 2:214. [In Arabic]
57. Jalālī, M. Ājīlīyān Māfuq, M. Barrisī Sanadī Wa Matnī Ḥadīth "Abghaḍ al-Ḥalāl Ilā Allāh al-Ṭalāq". np. npn. 2017(1396). 1:78. [In Persian]

58. 'Aynī, M. al-Bināyat Sharḥ al-Hidāyat. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1999(1420). 5:292. [In Arabic]
59. Ḥaṭāb, M. Mawāhib al-Jalīl Fī Sharḥ Mukhtaṣar Khalīl. 2nd ed. Beirut: Dār al-Fikr. 1992(1413). 4:38 & 40. [In Arabic]
60. Nawawī, M. Rawḍat al-Ṭālibīn Wa 'Umdat al-Mufaṭīn. 1st ed. Beirut: al-Maktab al-Islāmī. 1991(1412). 8:5. [In Arabic]
61. Niyshābūrī, M. Ṣaḥīḥ Muslim. Beirut: Dār Iḥyā' al-Ṭurāth al-'Arabī. nd.2:1093 & 1095. [In Arabic]
62. Ibn Qayyim, M. Zād al-Ma'ād. Beirut: Maktabat al-Risālat. 1994(1415). 5:202 & 204 & 205 & 210 & 218. [In Arabic]
63. Ibn Ḥazm, 'A. al-Muḥallā bil-Āthār. Beirut: Dār al-Fikr. nd.9:277 & 374 & 377. [In Arabic]
64. Nisā'ī, A. al-Sunan al-Kubrā. al-Risālat. np. npn. 2000(1421). 6:140. [In Arabic]
65. Shaybānī, A. Musnad Aḥmad Ibn Ḥanbal. 1st ed. Cario: Dār al-Ḥadīth. 2000(1421). 9:370. [In Arabic]
66. Ibn Taymīyyat, A. al-Fatāwā al-Kubrā. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1987(1408). 33:72 & 89. [In Arabic]
67. Najafī, M. Jawāhir al-Kalām. Qum: Dāyirat al-Ma'ārif Fiqh Islāmī Bar Madhhab Ahl al-Bayt. 2000(1421). 32:32 & 33. [In Arabic]
68. Shukānī, M. Nayl al-Awtār. 1st ed. Cario: Dār al-Ḥadīth. 1992(1413). 6:266. [In Arabic]
69. Ṣan'ānī, M. Subul al-Salām. Cario: Dār al-Ḥadīth. nd. 2:251. [In Arabic].
70. Zimakhsharī, M. al-Kashaf 'An Ḥaqā'iq Wa Ghawāmiḍ al-Tanzīl. 2nd ed. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī. 1986(1407). 4:552. [In Arabic]
71. Bayḍāwī, M. Anwār al-Tanzīl Wa Asrār al-Ta'wīl. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. 1997(1418). 1:141. [In Arabic]
72. Rāzī, M. Mafātīḥ al-Ghayb. 2nd ed. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. 1999(1420). 30:558. [In Arabic]
73. Ṭabāṭabā'ī, F. Majma' al-Bayān Fī Tafsīr al-Qur'ān. 2nd ed. Tehran: Nāsir Khusru. 1952 (1372). 10:455. [In Arabic]
74. Tūsī, M. al-Tibyān Fī Tafsīr al-Qur'ān. 2nd ed. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. 1969(1389). 10:30. [In Arabic]
75. Niyshābūrī, M. Ṣaḥīḥ Muslim. Beirut: Dār Iḥyā' al-Ṭurāth al-'Arabī. nd.3:1343. [In Arabic]
76. Āmadī 'A. al-Iḥkām Fī Uṣūl al-Aḥkām. Beirut: al-Maktab al-Islāmī. nd. 2:188. [In Arabic]
77. Ibn Taymīyyat, A. al-Fatāwā al-Kubrā. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1987(1408). 1:25 & 33. [In Arabic]
78. 'Azīm Abādī, M. 'Awn al-Ma'būd Sharḥ Sunan Abī Dāwūd. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1994(1415). 5:175. [In Arabic]
79. Kāsānī, A. Badā'i' al-Ṣanā'i' Fī Tartīb Al-Sharā'i'. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1985(1406). 5:119. [In Arabic]
80. Dardīr, A. al-Sharḥ al-Kabīr. Beirut: Dār al-Fikr. nd.1:173. [In Arabic]
81. Nawawī, M. Rawḍat al-Ṭālibīn Wa 'Umdat al-Mufaṭīn. 1st ed. Beirut: al-Maktab al-Islāmī. 1991(1412). 1:136. [In Arabic]
82. Ibn 'Ashūr, M. al-Taḥrīr Wa al-Tanwīr. Tunis: al-Dār al-Tūnisīyyat lil-Nashr. 1984(1404). 2:366. [In Arabic]
83. Sha'rāwī, M. Tafsīr Sha'rāwī. 1st ed. Cario: Muṭābi' Akhbār al-Yawm. 1997(1417). 2:966. [In Arabic]



MfJ

Medical Fighh Journal

2022; 14(44): e7

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/en-mf>



ORIGINAL RESEARCH

The ruling on divorce during menstruation from the perspective of jurisprudence and medicine

Mohammad jamali^{1*} 

1. Assistant professor, Shafi'i Jurisprudence Department, Faculty of Theology and Islamic Studies, Tehran University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 17 April 2022

Accepted: 27 October 2022

Published online: 29 December 2022

Keywords:

Divorce

Menstruation

Medicine

* Corresponding Author: Mohammad jamali

Address: Tehran, Faculty of Theology and Islamic Studies, Tehran University.

Email: dm_jamali50@ut.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Establishing and maintaining the family unit in order to preserve the generation and respond to one of the innate human needs is one of the five purposes and necessities of Sharia. Although the principle in marriage contract is to preserve it and prevent the dissolution of the family unit, but this does not mean giving in to married life under any circumstances and divorce is a solution to end this legal system and married life which should be used at the appropriate time without harming the woman. One of the issues disputed by jurists is the correctness of divorcing during woman's menstruation. A detailed review and analysis of the proponents and opponents' reasons as well as paying attention to the emotional and psychological conditions of the couple at this time, leads to choosing the correct view.

Materials and Methods: This descriptive analytical study tries to examine the divorce decree and the effect of menstruation on it from the perspective of jurists and medical science and to answer some important questions in this field such as the effect of time and emotional and psychological conditions of couples in using the right to divorce.

Conclusion: The majority of jurists believe that the general decree of divorce is abhorrent according to religious texts and its negative effects, and the use of this right should be done at the appropriate time and under certain conditions. One of these conditions is its non-occurrence during menstruation, which medically has effects such as mood instability, anger, forgetfulness, difficulty concentrating, and dysfunction in the daily life of the woman and the physical, mental and psychological condition of the wife and balance of her behavior can influence the couple's decision. Major jurists consider divorce to be forbidden at this time, but it is correct, while according to religious texts and medical data, it should be said that divorce is forbidden in such a situation and does not take place.

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Cite this article as:

jamali M, The ruling on divorce during menstruation from the perspective of jurisprudence and medical. *Med Fighh J* 2022; 14(44): e7.